

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیامدهای لجابت از منظر قرآن کریم و سنت

*** نسرین محقق نژاد**

چکیده

لجابت آثار زیانبار فراوانی دارد که حتی می‌توان منشأ پیدایش گناهان دیگر شود لجابت به معنی پافشاری و اصرار سخن و و یا کار نادرست باطل می‌باشد در قرآن و روایات بسیار زیادی از آن نهی شده و حتی پیامبر اسلام منشأ کارهای بد را لجابت می‌داند. متأسفانه امروزه بعضی افراد در کارهای خود لجابت می‌کنند و اصرار بر کار نادرست خود دارند و از پیامدهای آن آگاهی ندارند بنابراین لازم است پیامدهای لجابت از منظر قرآن کریم و سنت بیان گردد. اهمیت پرداختن به پیامدهای لجابت از آنجاست که باعث می‌شود به نتیجه این لجابت بیندیشد و برخلاف آن عمل کند و مسائل و مشکلات در روابط بین فردی حل کند لذا این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی به پیامدهای لجابت از منظر قرآن کریم و سنت پرداخته است که حاصل آن چنین شد: دور ماندن از رشد، جنگ و درگیری، تحقیر دیگران، انزوا، بسترسازی برای زشتی‌ها، ضعف تدبیر، انتقام و ... از مهم ترین پیامدهای لجابت از منظر قرآن کریم و سنت است که می‌توان نام برد.

کلید واژه‌ها: پیامد لجابت، آیات و روایات، بهانه جویی

*** طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت رقیه (سلام علیها) برازجان**

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «اللَّجَاجَةُ تَسُلُّ الرَّأْيَ»! «لجاجت، فکر و رأی انسان را از میان می برد.

لجاجت یعنی اصرار ورزیدن در کاری که از انجام آن انسان را نهی کرده اند. همه به او می گویند این کار را نکن، اما کار خودش را انجام می دهد. لجاجت یکی از پلیدترین صفاتی است که قرآن مجید به صراحت مورد سرزنش قرار داده است. لجاجت به معنای تکرار عمل و ادامه دادن آن موردی است که مطابق میل طرف مقابل نباشد و با میل و خواست مخالف باشد. از مصداق های لجاجت ادامه دادن عمل پس از باز داشته شدن از آن و تکرار کلام پس از انزجار شنونده است براین پایه در معنای لجاجت دو قید وجود دارد ۱. تکرار عمل؛ ۲. ادامه دادن به کاری که مخالف میل طرف مقابل است.^۲

روایات اسلامی به شدت از لجاجت نهی کرده و بر حذر داشته و آن را منشا و ریشه بسیاری از مشکلات و اختلافات می داند و آثار زیانبار این رذیله اخلاقی در دنیا و آخرت مورد تاکید قرار گرفته است. تردیدی نیست که این مسئله بهانه جویی و لجاجت در تمام طول تاریخ بشر از آغاز خلقت تاکنون همیشه یکی از موانع مهم پذیرش حق و حقیقت بوده است. یکی از مشکلات بزرگ و اصلی تکذیب انبیا و آیات الهی ایجاد تفرقه و اختلاف را در عمق جان اقوام پیشین را تشکیل می داده است.

اگر به این مسئله پرداخته شود باعث می شود افراد به عاقبت و نتیجه کار خود فکر کنند و بر خلاف آنچه انجام داده اند عمل کنند تا مسائل و مشکلات بین آنها حل شود و منافع و موقعیت های خود را به دست آورند از تصمیم های نابجایی که گرفته اند برگردند.

ضرورت و بررسی و اهمیت به این مقاله از آنجاست که اگر این موضوع مورد تحقیق و تبیین قرار نگیرد و از پیامدهای لجاجت از منظر قرآن کریم و سنت غفلت شود باعث می شود افراد روی افکار خود پافشاری کنند و موقعیت های خود را از دست بدهند و همچنین مایه مانع هدایت آنها شود.

در آیات و روایات زیادی و همچنین کتب متعددی به این مسئله اشاره شده است، در این مقاله سعی شده با بهره وری از ارزشمندترین منابع، نخست به مفهوم لجاجت پرداخته شود و سپس به عوامل لجاجت در قرآن و روایات اشاره شده و بعد از آن آثار و پیامدهای لجاجت را بیان می کند و در نهایت به درمان آن پرداخته است. و اما کتابهایی که در این مقاله به کار برده شده از جمله: آقای مومنی در کتاب سبک زندگی مشترک آورده: لجاجت به معنای تکرار عمل و ادامه دادن آن موردی است که مطابق میل طرف مقابل نباشد و با میل و

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۹

۲. هاشم زاده، مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام و نظرات روان شناسان، ص ۲۶-۲۵

۳. مومنی، سبک زندگی مشترک، ص ۲۴

خواست مخالف باشد. از مصداق های لجاجت ادامه دادن عمل پس از باز داشته شدن از آن و تکرار کلام پس از انزجار شنونده است براین، پایه در معنای لجاجت دو قید وجود دارد ۱ تکرار عمل؛ ۲. ادامه دادن به کاری که مخالف میل طرف مقابل است.^۱

آقای هاشم زاده در کتاب مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام و نظرات روان شناسان نوشته است: اصرار ورزیدن در کاری که از انجام آن ما را نهی کرده اند. همه به او می گویند این کار را نکن، اما کار خودش را انجام می دهد. به خصوص جوان ها، به خصوص ابتدای زندگی، بسیار زیاد با یکدیگر لج و لجبازی می کنند.^۲

آقای رضوی در کتاب انسان و علوم انسانی در صحیفه سجادیه بیان می کند: لجاجت، خواه در امور نظری و علمی باشد خواه درباره مادیات و یا هر چیز دیگر حاکی از روحیۀ طمع است. زیرا اگر شخص لجوج خواسته ای نداشته باشد هرگز لجاجت نمی کند. لجاجت «اصرار بیهوده» است فرد لجوج بحدی طماع است که به اصرار بیهوده نیز می پردازد بامید اینکه به خواسته اش برسد. لجاجت یک امر غریزی است که مانند هر غریزه دیگر، باید تحت مدیریت روح فطرت قرار گیرد والا به بیماری مبدل می شود.^۳

آقای رفیعی در کتاب کلیدهای زندگی: معارف قرآنی روایی آورده است: یکی از عوامل لجاجت عقده های حقارت است، تحقیرها، خود کم بینی هاست. آدم های بهانه جو غالباً آدم های کم ظرفیتی هستند. می خواهد ظرفیت خود را با ایراد گرفتن از دیگران، با بهانه جویی جبران کند. این صفت، یک صفت کودکانه است. متأسفانه بعضی این خوی کودکانه را تا پناه سالگی هم می آورد. هفتاد ساله است ولی خوی پنج سالگی در او است.^۴

پژوهش حاضر در چهار محور به بررسی پیامدهای لجاجت از منظر قرآن کریم و سنت اشاره دارد:

۱. مفهوم شناسی

۲. عوامل لجاجت

۳. پیامدهای لجاجت در آیات و روایات

۴. راه درمان لجاجت

۱. مومنی، سبک زندگی مشترک، ص ۲۴

۲. هاشم زاده، مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام و نظرات روان شناسان، ص ۲۶-۲۵

۳. رضوی، انسان و علوم انسانی در صحیفه سجادیه، ج ۴، ص ۳۸۷

۴. رفیعی، کلیدهای زندگی: معارف قرآنی روایی، ص ۱۸۷

۱. مفهوم شناسی

۱-۱ - لجاجت در لغت

ستهیدن، عناد، یک دندگی در کار. لجام: منهیّ عنه اصرار ورزیدن. در علم اخلاق: نوع سوم از مهلکات قوه غضبی یا سبعی است.^۱

۱-۲ - لج در لغت

لجاج آنست که شخص در فعل منهیّ عنه اصرار ورزد.^۲

۱-۳ - لجاجت در اصطلاح

اصرار ورزیدن در کاری که از انجام آن انسان را نهی کرده اند. همه به او می گویند این کار را نکن، اما کار خودش را انجام می دهد. به خصوص جوان ها، به خصوص ابتدای زندگی، بسیار زیاد با یکدیگر لج و لجبازی می کنند. عیب خیلی از جوان ها این است که نمی خواهند از تجربیات دیگران استفاده کنند و می خواهند هر کاری را خودش تجربه کنند. حتماً باید سرش به سنگ بخورد بعد می فهمد آن نصیحتی و آن گوهری که پدر محاسن سفیدش ده سال قبل راحت در اختیارش قرار داده چقدر ارزشمند بوده، اما به خاطر لج و لجبازی بچه گانه این تجربه را استفاده نکرده است. این معنای اصطلاحی لجاجه است. لجاجت یکی از پلیدترین صفاتی است که قرآن مجید به صراحت مورد سرزنش قرار داده است. اینکه انسان بخواهد بر سخن باطل خودش لجاجت بورزد. سوره مؤمنون آیه ۷۵ می فرماید: (لَلْجَوَّاءِ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ) ^۳ یا رسول الله! این ها را رها کن در طغیان خودشان در لجاجت خودشان سرگردان باشند.

یعنی: مرغ من یک پا دارد، این منطق قرآن نیست. این منطق اهل بیت (علیهم السلام) نیست. این آموزه های دینی ما نیست. چون آموزه های دینی چیز دیگر به ما یاد می دهد. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «رَاكِبُ اللَّجَاجِ مُتَّعِضٌ لِلْبَلَاءِ؛ کسی که سوار بر اسب لجبازی شده در معرض بلا و گرفتاری است. انسان لجباز خودش را نابود کرده است. انسان لجباز بیشترین آسیب را به خودش و به زندگی خودش می زند.^۴

۱. حسینی دشتی، معارف و معاریف: دائره المعارف جامع اسلامی، ج ۵، ص ۲۴

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۶۷

۳. مؤمنون، آیه ۷۵

۴. تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۹۰۰

۵. هاشم زاده، مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام و نظرات روان شناسان، ص ۲۵-۲۶

تبلیغات رئیس جمهوری هست، در تبلیغات شورای مجلس، شورای شهر، یعنی خیلی وقت‌ها انسان روی لج و لجبازی، حتی در بنایی، پس حالا که چنین شد، اینطور بشود.

یک بنده خدایی شتری کشت، آبگوشتی درست کرد، قابلمه قابلمه در خانه‌ها می‌داد. یک قابلمه را هم در خانه‌ی یکی از رؤسای قبیله برد. گفت: من خودم رئیس قبیله هستم. شما قابلمه‌ی آبگوشت برای من آوردی؟ من خودم یک کسی هستم. لگد زد و قابلمه را زمین انداخت. به قبیله‌اش گفت: به کوری چشم ایشان، دو تا شتر بکش. آن یک نفر که اول آبگوشت پخته بود، گفت: به کوری او سه تا بکش. همینطور به کوری، به کوری صد تا شتر کشتند. حضرت امیر فرمود: هیچکس از این نخورد. بریزید در بیابان برای شغال‌ها. چیزی که براساس... قرآن می‌گوید: (أَسَّسَ عَلَى التَّقْوَى) باید براساس تقوا باشد.^۲

۳-۹- لجاجت بت پرستان بر پرستش بت‌ها

در مورد خاصی ندارد، همه چیزی می‌شود باشد. لجبازی روی بت پرستی، قرآن می‌گوید: «أَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ»^۳ بت‌ها را یاری کنید، یعنی روی بت پرستی مقاومت کنید. یک وقتی بختیار جای شاه آمده بود، طرفداران بختیار اینطور شعار می‌دادند، بختیار، بختیار، سنگرتو نگه دار. لجبازی روی اینکه حالا مثلاً این بت را نگه دارند.

اصلاً ابلیس که ابلیس شد به خاطر لجبازی بود. دو تا اشتباه دارند. یکی عذرخواهی کرد، یکی لجبازی کرد. خدا به ابلیس گفت: سجده کن. گفت: نمی‌خواهم! در مقابل خدا لجبازی کرد. بعد هم به جای عذرخواهی کند، گفت: نمی‌خواهم که هیچ، حق هم با من است. معنایش این است که تو بی‌خود می‌گویی: سجده کن. (خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ). نار یعنی چه؟ (وَوَخَّلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)^۴ آدم از گل است. من از آتش هستم، نژاد من بهتر است، من به او سجده کنم؟ لجبازی کرد، ابلیس، ابلیس شد. بعد هم گفت: حالا که اینطور شد، (لَأُقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ)^۵ از دم تا دم همه را گمراه می‌کنم. (إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ) من فقط حریف بنده‌های مخلص نمی‌شوم. باقی همه را گول می‌زنم. یعنی یک لجبازی ابلیس را ابلیس کرد.

به حضرت آدم گفتند: گندم را نخور، خورد. گفت: چرا خوردی؟ می‌دانم، من ظلم کردم، معذرت می‌خواهم. یک معذرت خواهی کرد، آدم شد. یک لجبازی کرد ابلیس شد. آدم و ابلیس هر دو خلاف کردند. هم آدم را

۱. توبه، آیه ۱۰۸

۲. قرائتی، درسهایی از قرآن، صفحه ۱۴۲۱

۳. انبیاء، آیه ۶۸

۴. ص، آیه ۷۶

۵. اعراف، آیه ۱۶

۶. حجر، آیه ۴۰

گفتند نخور، خورد. هم ابلیس را گفتند: سجده کن، نکرد. هردو دستور خدا را بی‌اعتنایی کردند. یکی عذرخواهی کرد، آدم شد. یکی لجبازی کرد، ابلیس شد. بین لجبازی آدم را به کجا می‌کشاند. اصرار بر ملت، به پیغمبر ما گفتند: (لَتَعُوذَنَّ فِي مِلَّتِنَا) تو باید مثل ما باشی. هرطور ما می‌گوییم باشی.^۱

۳-۱۰- محبت فرزند، زمینه لجاجت در برابر حق

وقتی خداوند بنا شد از زمین و آسمان آب بجوشد، زمین زیر آب برود و کفار غرق شوند، حضرت نوح گفت: (إِنَّ) یعنی چه؟ (ابن) یعنی چه؟ «إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي»^۲ خدایا پسر من اهل من است. نجاتش دهید. فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ»^۳ گفت: پسر مرا نجات بده. فرمود: پسر تو هم مثل باقی‌ها، اینجا پارتی بازی نیست، نور چشم بازی هم نیست، آقازادگی هم نیست. پسر تو چون راهش کج است باید آن هم جزء غرق شده‌ها باشد. گاهی افرادی روی خواهر خودشان، هزار سکه، پانصد سکه، اما وقتی می‌خواهد ازدواج کند می‌گوید: بابا اسلام چه گفته؟ در قرآن یک آیه داریم، می‌گوید: هر جا به نفعشان است می‌گویند: آقا چه می‌گوید؟ ما مسلمان هستیم، ببینیم مراجع چه می‌گویند؟ آقا چه می‌گوید؟ هر چه آقا گفت. چون می‌داند آقا به نفعش می‌گوید. اگر ببیند آقا به نفش می‌گوید: می‌گوید بله خیلی خوب اسلام به روی چشم! اما قوانین بین‌الملل، آداب، رسوم، آیه‌اش را بخوانم. (إِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ) اگر حق به نفعشان بود، (يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ)^۴ با اذعان می‌گویند: بله قربان، بله قربان. قربان اسلام بروم، چه دین خوبی است! اما اگر علیه او بود، چیز می‌کنند.^۵

۴. درمان لجاجت

۴-۱- راه علمی

راه علمی این است که انسان فکر کند، بیندیشد، نتیجه این لجاجت این شده که سه سال است خانواده من با خواهر خود رفت و آمد ندارد، دخترهای من با دختر خاله‌های خود رابطه ندارند، باعث شده که ما از رفت و آمد محروم شویم، از هم فکری محروم شویم، آن‌ها یک چیزهایی داشتند ما می‌توانستیم استفاده کنیم، از آن استفاده محروم شدیم. فکر کنم من با لجاجت خود چه کردم؟ اگر لجاجت بر بت پرستی بوده از توحید مانده ام، اگر لجاجت بر بخل بوده، از ثواب انفاق مانده ام. امام صادق (علیه السلام) آمد خانه کسی، آن فرد

۱. قرائتی، درس‌هایی از قرآن، صفحه ۱۴۲۱

۲. هود، آیه ۴۵

۳. هود، آیه ۴۶

۴. نور/۴۹

۵. قرائتی، درس‌هایی از قرآن، صفحه ۱۴۲۱

آقا را دعوت کرده بود. آقا هم مسن بود، می دانید در میان ائمه (علیه السلام) مسن ترین آنها در زمان شهادت، امام صادق (علیه السلام) است. - خانه هم در یکی از محله های دور مدینه بود. آقا وقتی آمد خسته شد، فرمود: بهتر نیست این خانه را عوض کنی؟ وضع طرف هم خوب بود، گفت: آقا یادگار پدرم است. آقا فرمود: پدر تو اشتباه کرد. اگر پدر تو جواد بوده است، سخی بوده، شما هم سخی باش خوب است، اما نه، پدر ما سیگاری بوده است، ما باید این یادگار پدر خود را حفظ کنیم، این یک کار خوبی نیست، پدر تو هم اشتباه کرده است. از روز اولی که زن وارد خانه او می شده با دعوا و نزاع بوده است، این صفت خوبی نیست، پدر تو هم بد کرده است، پدر تو هم اشتباه کرده است.» چقدر انرژی به خاطر لجاجت هدر می رود. چقدر انسان ها درگیر می شوند. یک آقای می گفت: ما در خانه، سر برخی کارها با خانم جر و بحث داریم، فرض کنید شب است، به او می گویم: برو در خانه را چفت کن، می خواهیم بخوابیم. می گوید: خودت برو. می گویم: این زباله را بیرون بگذار یا مثلاً زیر گاز را کم کن. می گوید: هر کس اول حرف زد آن کار را انجام دهد. می گفت: گاهی چهل دقیقه می نشینیم به یکدیگر نگاه می کنیم، نه من حرف می زنم، نه او حرف می زند، اعصاب ما به هم می ریزد برای این که بلند نشویم لامپ را خاموش کنیم. خوب آقای عزیز! بلند شو خاموش کن. می گوید: من پیش خانم کم بیاورم؟ نه عزیز من! این کم آوردن نیست. کم آوردن این است که شما بی دینی کنی، بی تقوایی کنی، خانم در نماز خود اول وقت باشد، شما نماز را آخر وقت بخوانی، آقای عزیز! نتیجه پنجاه سال بهانه جویی تو چیزی جز افسردگی و ضعف اعصاب و انزوا و دور شدن از فامیل و دور شدن خانواده از هم نشده است! و به هیچ جا هم نرسیدی.^۱

۲-۴- راه عملی

راه دوم آن راه عملی است. راه عملی این است که انسان بر خلاف آن الجاجت عمل کند. این را مرحوم فیض کاشانی در کتاب محجة البیضاء آورده است. ایشان می گوید: در تمام ضد ارزش ها یک راه آن این است که خلاف آن عمل کنی. مثلاً شما بخیل هستی به زور اتفاق کن، کم کم جواد می شوی، سخاوتمند می شوی. این جا هم لجاجت تو می گوید: ماشین را عقب نکش، به لجاجت بگو با تو لج می کنم، میکشم عقب. بالجاجت خود لج کن. این باعث می شود ان شاء الله بیماری لجاجت درمان بشود.^۲

۱. رفیعی، کلیدهای زندگی: معارف قرآنی روایی، ص ۱۹۲-۱۹۱

۲. همان، ص ۱۹۳

نتیجه گیری

لجاجت به عنوان یکی از صفات منفی اخلاقی، در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام به عنوان منشأ بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی معرفی شده است. پیامدهای لجاجت نه تنها موجب از بین رفتن روابط انسانی و تضعیف وحدت و همدلی می شود، بلکه در درون فرد نیز زمینه ساز دوری از حکمت، تعقل و هدایت الهی است. قرآن کریم، با تاکید بر انعطاف پذیری و مدارا، لجاجت را موجب خسارت و زیان معرفی کرده و از انسان ها خواسته است که در برخوردهای اجتماعی و فردی، نرم خویی و تساهل را پیشه کنند. همچنین روایات اهل بیت علیه السلام نشان می دهد که لجاجت مانع از رشد معنوی و کسب فضایل اخلاقی است و موجب خشونت های کلامی و عملی می گردد. بنابراین، اجتناب از لجاجت و پرورش اخلاقی چون حلم، بردباری و عقلانیت، راه حلی موثر برای حفظ سلامت روحی و ایجاد جامعه ای همدل و متمدن خواهد بود.

توجه به ریشه های لجاجت از جمله مسائل مهمی است که میتواند افراد را درباره پیشگیری از بروز این صفت ناپسند یاری رساند برخی از این ریشه ها عبارتند از: جهالت، زیاده روی در سرزنش، راحت طلبی، ... پیامدهایی برای لجاجت هست که عبارتند از: ضعف تدبیر، بسترسازی برای زشتی ها، انزوا، دور ماندن از رشد، جنگ و درگیری، عامل دوزخی شدن، ...

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰
۲. حسینی دشتی، سید مصطفی، **معارف و معاریف: دائره المعارف جامع اسلامی**، ج ۵، تهران، موسسه فرهنگی آریه، چاپ اول، ۱۳۸۵
۳. حسینعلی منتظری، **درس هایی از نهج البلاغه**، ج ۱۲، تهران، سرایی، ۱۳۹۵
۴. رفیعی، ناصر، **کلیدهای زندگی: معارف قرآنی روایی**، قم، نشر عطش، ۱۳۹۶
۵. رضوی، مرتضی، **انسان و علوم انسانی در صحیفه سجاده، بی جا، بینش نو**، ۱۳۹۲
۶. قرائتی، محسن، **درس هایی از قرآن**، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۶
۷. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۶
۸. مجلسی، **بحار الانوار**، بیروت لبنان، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲
۹. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه**، با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۹۰
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰
۱۱. مومنی، مهدی، **سبک زندگی مشترک**، قم، مهدی مومنی تیکدري، ۱۳۹۴
۱۲. هاشم زاده، مهدی، **مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام و نظرات روان شناسان**، اصفهان، نورالحيات، ۱۴۰۲
۱۳. حرّانی، حسن بن علی (ابن شعبه)، **تحفه العقول**، قم، آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲